

تحلیل آسیب‌شناختی کتاب‌شناسی‌های توصیفی و تحلیلی حوزه اسطوره در ادبیات و هنر

چکیده

کتاب‌شناسی‌ها در جایگاه اساسی‌ترین منابع جست‌وجو و پژوهش، یاری‌گر محققان هستند. آن‌چنان‌که در دهه گذشته در زمینه‌های گوناگون شاهد روی آوردن پژوهشگران به نوشتن کتاب‌هایی در این زمینه بوده‌ایم. در این بین کتاب‌شناسی‌هایی که درباره یک رشته نوپا در کشورمان نگاشته می‌شوند، اهمیت دوچندان می‌یابند. اسطوره‌پژوهی در سال‌های متأخر در بین پژوهشگران، علاقه‌مندان بسیاری یافته و چه در تألیف و چه در ترجمه از نظر کمی و کیفی رشد قابل توجهی پیدا کرده است. استقبال مؤلفان و مترجمان و روی آوردن به موضوعات اسطوره، باعث چاپ و تعدد کتاب‌های بسیاری درباره اسطوره‌های ایران و دیگر کشورهای جهان گشته و به تبع آن، برخی از محققان برای آسان کردن کار علاقه‌مندان به این حوزه، به‌سوی کتاب‌شناسی اسطوره رفته و سعی کرده‌اند تا با معرفی و تحلیل آثار نوشته شده در این زمینه، کمک بیش‌تری به رشد این شاخه ارزشمند از علوم انسانی داشته باشند. مسئله‌ای که پژوهش حاضر دنبال می‌کند آسیب‌شناسی این نوع پژوهش‌ها است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که با وجود ارزشمندبودن این کار، کتاب‌شناسی اسطوره، گرفتار آسیب‌های فراوانی شده است: رویکرد متفاوت و غیرعلمی در بخش توصیف، عدم تحلیل و یا تحلیل‌های غیرعلمی و گزینشی کتاب‌ها، عدم تسلط نویسندگان بر موضوع اسطوره، کاستی‌های دانشگاهی و علمی و فرهنگی که مهم‌ترین آن عدم توجه به این نوع از دانش سودمند می‌باشد و هم‌چنین حجم بالای کتاب‌شناسی‌ها که احتمال خطاهای محتوایی و نگارشی را بالا می‌برد و از سویی نقطه قوت آن به شمار می‌آید- از جمله این آسیب‌ها می‌باشد.

اهداف پژوهش:

۱. آسیب‌شناسی در حوزه کتاب‌شناسی توصیفی- تحلیلی اسطوره و دلایل به‌وجود آمدن آن‌ها.
۲. شناسایی عوامل رشد و بالندگی کتاب‌شناسی حوزه اسطوره در ادبیات و هنر.

سؤالات پژوهش:

۱. کتاب‌شناسی اسطوره در ایران چه کاستی‌ها، نابسامانی‌ها و آفت‌هایی دارد و را حل آن چیست؟
۲. آسیب‌شناسی در این حوزه چه تأثیری بر بالندگی کتاب‌شناسی در زمینه اسطوره خواهد داشت؟

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی، کتاب‌شناسی، اسطوره، توصیف، تحلیل.

مقدمه

کتاب‌شناسی یکی از بهترین روش‌های کسب آگاهی از وجود و فایده یک کتاب است و «هدف اساسی آن نیز کمک به استفاده‌کننده در تشخیص وجود یا شناسایی یک کتاب یا هر ماده دیگر است که امکان دارد شخص به آن توجه کند» (بیگدلی: ۱۳۸۶: ۱۴). کتاب‌شناسی در تمام زمان‌ها و مکان‌ها اهمیت فراوانی داشته است. «قدیمی‌ترین کتاب‌شناسی، فهرست کتابخانه آشوربانی‌پال در نینوا بوده است» (مرادی، ۱۳۷۹: ۴۷). کتاب‌شناسی می‌تواند یکی از مهم‌ترین گام‌های پژوهش برای بسیاری از پژوهشگران باشد، اما در ایران و به‌خصوص در زمینه اسطوره این کار رونق چندانی نیافته است. شاید مهم‌ترین دلیل کم‌رنگ ماندن و به حاشیه رفتن تحقیقاتی در این زمینه را بتوان عدم رویکرد علمی و دقیق به مسئله‌های پژوهشی دانست که باعث آسیب‌ها و کاستی‌های فراوانی در این موضوع شده است. «مطالعات ادبی در فرایند بریده‌بریده و بدون پیوند با آثار ادبی هر دوره، به پیش‌فرض‌های نادرستی می‌انجامد و نتیجه آن، عدم دستیابی به نگاه کلانی است که برای جریان‌شناسی و دوره‌بندی‌های متنوع و تاریخی ضرورت دارد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۶)؛ این درحالیست که این شاخه از دانش انسانی به سرعت در تمامی رشته‌ها در حال رشد است. «شاخه‌های موضوعی مختلف و حوزه‌های وسیع دانش، کتاب‌شناسی‌ها و نسخه‌های خاص از راهنمای کتاب‌های مرجع را برای خود دارند» (کتس، ۱۳۸۲: ۱۰۳). برخی از پژوهشگران براساس عادت نادرست، به‌صورت پراکنده و مشوش کار تحقیقاتی خود را انجام می‌دهند و تنها به فکر افزودن بر تعداد منابع هستند تا ارزش ظاهری تحقیق خود را بالا ببرند؛ غافل از آنکه اگر در موضوع مورد مطالعه آنان و در حوزه کتاب‌شناسی، محقق بر روی موضوع مورد مطالعه آنان کار کرده باشد، به آسانی و با صرف زمان بسیار کم‌تری به راحت‌ترین شکل ممکن از ثمره کوشش آن نویسنده برخوردار می‌شوند. «کسی که تحقیق می‌کند یا کتاب می‌نویسد باید خواه ناخواه به کتاب‌ها و آثاری که در زمینه کار او وجود دارد، مراجعه کند» (صافی، ۱۳۶۴: ۵۲). این استفاده از کتاب‌شناسی‌ها حتی می‌تواند ارتباط مستقیم با تحقیق نداشته باشد، اما یاری‌کننده محقق به‌صورت غیرمستقیم باشد و آنان را به منابع دیگری هدایت کند (ر.ک: حسن لاریجانی، ۱۳۸۱: ۲۶).

به هر روی هر نوع تحقیقی می‌بایست از اصول درست پیروی کند تا نتایج برآمده از آن نیز دقیق و علمی و کاربردی باشد. «یافته‌های علمی علاوه بر آن که می‌بایست با اصول معین نوشته شود، باید به اندیشه تولید دانش، جهت برنامه‌ریزی و رشد صحیح و بالابردن سطح آگاهی و فرهنگ تحریر گردد» (صافی، ۱۳۸۲: ۱۳۹). نکته دیگری که باید به آن توجه داشت آن است که در کتاب‌شناسی‌ها، گاه علاوه بر توصیف کتاب که به معرفی چارچوب اصلی کتاب و موضوعات مطرح شده در آن می‌پردازد و در حقیقت معرفی بخش‌های مختلف کتاب است، مؤلفان به تحلیل کتاب از نظر محتوایی و بررسی ارزش علمی اثر نیز می‌پردازند. این کار نیز کمک شایانی به پژوهشگرانی می‌کند که می‌خواهند آثار مورد مطالعه خود را گزینش نمایند و به‌عنوان منابع اصلی از آن کمک بگیرند. یکی از اهداف اساسی کتاب‌شناسی، کمک به مخاطبین در تشخیص، معرفی و به‌گزین کردن آثار درجه یک برای پژوهش‌ها و یا علاقه‌مندی‌ها به حوزه‌های موجود دانش است. درنگ در آثار نوشته شده و نگاه نقادانه به آن‌ها، افزون بر آن که باعث

آگاهی بخشی مخاطبان درباره آثار نقد شده می شود، زمینه را برای کمال بخشی آن آثار فراهم می کند. این امر زمانی اهمیت دوچندان می یابد که بدانیم تألیفات و به ویژه کتاب شناسی ها می توانند تأثیرات خوبی بر آثاری بگذارند که با تکیه بر آن ها نوشته خواهند شد یا با در نظر گرفتن منابع ذکر شده در آن ها، تألیف و عرضه می شوند. به همین دلیل ارائه الگوهای ویژه برای گردآوری کتاب شناسی، محققان را برآن داشت که طرح و الگویی جامع و منطقی برای پژوهش های کتاب شناسی ارائه دهند تا پژوهشگران در این زمینه سردرگم نشوند.

شیوه های گوناگون کتاب شناسی و تقسیم بندی های مختلف متون مرجع شناسی و کتاب شناسی در آثار پژوهشگران دیده می شود. به عنوان مثال عده ای کتاب شناسی را از دید موضوع، هدف، محدوده جغرافیایی، شیوه تنظیم، نشر، اطلاعات کتاب شناختی و... تقسیم بندی کرده اند. از منظر موضوع می توان کتاب شناسی را به دو نوع عمومی و اختصاصی تقسیم کرد و همچنین باید دقت داشت که در حوزه اسطوره که کتاب شناسی اختصاصی محسوب می شود؛ مشخص بودن هدف نگارنده، امری ضروری است. بنابراین هدف از این پژوهش، آسیب شناسی متون کتاب شناسی اسطوره است و صرفاً به بحث توصیف و تحلیل آن نمی پردازد.

در تقسیم بندی کتاب شناسی می توان از منظر هدف به دو گزینه اشاره کرد: ۱. تقسیم بندی کتاب در جایگاه یک عینیت مادی که کتاب شناسی تحلیلی یا انتقادی نامیده شده و خود شامل سه نوع متنی، تاریخی و توصیفی است؛ ۲. مطالعه کتاب در جایگاه یک عینیت ذهنی که کتاب شناسی تنظیمی یا شمارشی نامیده می شود (مرادی، ۱۳۷۹: ۲۲). کتاب شناسی تحلیلی که عموماً با عنوان، تحلیلی- انتقادی یا تاریخی نامیده می شود، تنها برای متخصصان سودمند است. در این نوع کتاب شناسی، یک اثر را از هر نظر، به ویژه از دو زاویه مطالعه می کنند: ۱. ویژگی های طبیعی چون نوع کاغذ، صحافی و تصاویر؛ ۲. خصوصیات متن برای تعیین اختلافات یک اثر با اثر دیگر. در واقع در این نوع کتاب شناسی، کتاب شناس خبره یا متخصص موضوعی، منابع مربوط به یک موضوع، رشته یا شخص خاص را با دقت بررسی، توصیف، تحلیل، معرفی، تحلیل و نقد می کند (مسرت، ۱۳۷۳: ۵۲).

نکته ای که در این نوشتار مطرح است آن است که نویسندگانی که در زمینه کتاب شناسی و به ویژه آن چه مربوط به این نوشتار است؛ یعنی اسطوره، فعالیت داشته اند، در نوشتار خود دچار چه آسیب یا آسیب هایی شده اند. این آسیب شناسی نه تنها از ارزش کار سترگ و پر از رنج چندین ساله آنان نمی کاهد، بلکه می تواند راه را برای تحقیقاتی هرچه بهتر در زمینه کتاب شناسی اسطوره هموار سازد. این تحقیق براساس روش گردآوری اطلاعات و منابع مورد استفاده کتابخانه ای است. در این تحقیق همه کتاب ها و پایان نامه هایی که در زمینه کتاب شناسی اسطوره به نگارش درآمده اند، مورد مطالعه دقیق قرار گرفت. سپس آسیب هایی که در حوزه کتاب شناسی اسطوره وجود داشته، مورد مذاقه و نقد قرار گرفته است. همچنین برای کامل تر بودن نتیجه تحقیق، مقالاتی که در حوزه کتاب شناسی اسطوره به نگارش درآمده اند نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

در زمینه اسطوره اگرچه فرهنگ های متعددی نوشته شده است؛ از جمله کتاب ارزشمند «فرهنگ اساطیر و داستان وارها در ادبیات فارسی» از محمدجعفر یاحقی (- ۱۳۲۶ ه.ش) و فرهنگ های دیگری که بیش تر به جهت

آشنایی خوانندگان با شخصیت‌ها، روایت‌ها، مکان‌ها و هر آنچه مربوط به اطلاعات در زمینه اسطوره می‌باشد، اما در حیطه کتاب‌شناسی به جز کتاب «کتاب‌شناسی اساطیر و ادیان» نوشته فرخنده حاجی‌زاده که اطلاعات مربوط به ۱۲۶۲ عنوان کتاب در زمینه اساطیر و ادیان مختلف جهان را براساس الفبای نام نویسنده گردآوری نموده است، کتاب دیگری نوشته نشده است. تنها در طول سال‌های گذشته چند پایان‌نامه و رساله به کوشش دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی به رشته تحریر درآمده است. هر کدام از این پایان‌نامه‌ها بخشی از کتاب‌شناسی در حوزه اسطوره را دربر می‌گیرد که به این موارد اشاره می‌شود:

جبار ناصرو (۱۳۹۰) در رساله دکتری خود با عنوان «کتاب‌شناسی توصیفی- تحلیلی اساطیر ایران، هند، بین‌النهرین، چین و ژاپن در زبان فارسی (۱۳۰۰ تا ۱۳۸۹)»، به ذکر کتاب‌شناسی آثاری در حوزه اساطیری که در عنوان این رساله آمده، پرداخته است. محمدی (۱۳۹۲)، با نوشتن پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «کتاب‌شناسی توصیفی- تحلیلی اساطیر یونان در زبان فارسی (۱۳۰۰ تا ۱۳۸۹)»، در این حوزه صاحب اثر است. آریا (۱۳۹۱) با «کتاب‌شناسی توصیفی- تحلیلی اساطیر آمریکا، مصر، اسکانداوی (۱۳۰۰ تا ۱۳۸۹) و بررسی عناصر مشترک آن‌ها با اساطیر ایرانی»، که پایان‌نامه کارشناسی ارشد می‌باشد. رضوانی (۱۳۸۸) با «کتاب‌شناسی توصیفی- تحلیلی اساطیر ایران در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵»، که پایان‌نامه کارشناسی ارشد است. خاکپور (۱۳۹۱) با «تحلیل، طبقه‌بندی و کتاب‌شناسی اسطوره از آغاز سال ۱۳۵۰ تا پایان سال ۱۳۹۰»، که پایان‌نامه کارشناسی ارشد می‌باشد. با آنکه در حوزه کتاب‌شناسی، کتاب‌های نوشته شده دیگری وجود دارد و برخی محققان به کتاب‌شناسی درباره مشاهیر و بزرگانی چون: مولوی، سعدی، حافظ، سنایی، عطار و... پرداخته‌اند، اما در زمینه اسطوره تنها موارد ذکر شده به نگارش درآمده‌اند.

نتیجه‌گیری

آسیب‌شناسی در هر حوزه‌ای نوعی نقد به شمار می‌رود و هدف از آن کم ارزش شمردن کارهای پیشین نیست، بلکه مهم‌ترین هدف آسیب‌شناسی، بررسی تمامی کاستی‌هایی است که در آن حوزه وجود دارد. این آسیب‌ها بر کار محققان نیز لطمه وارد می‌کند و از ارزش علمی اثر آنان می‌کاهد. آسیب‌شناسی در حوزه کتاب‌شناسی توصیفی- تحلیلی اسطوره نیز نشان می‌دهد که بیش‌تر آثار نوشته شده در این زمینه به دنبال جمع‌آوری کتاب‌ها در موضوع و بازه زمانی مورد ادعا بوده‌اند و بیش‌تر به کار توصیف کتب پرداخته‌اند تا تحلیل آن‌ها. هم‌چنین آسیب دیگری که کتاب‌شناسی توصیفی- تحلیلی اسطوره را دچار مشکل می‌کند، بحث تحلیل است. با آن که معنی تحلیل در این گونه از کتاب‌شناسی‌ها، نقد کتاب‌ها و بررسی ارزش علمی آن‌هاست، اما نویسندگان، کم‌تر به این کار روی آورده‌اند و در کار تحلیل کتاب‌ها به انتخاب دست زده‌اند و تنها برخی از کتاب‌ها نقد شده است. از سویی بیش‌تر آن‌چه که تحلیل شمرده شده است، منتخبی از دیباچه یا مقدمه نویسنده کتاب درباره خود اثر است نه نظر نویسنده کتاب‌شناس. از دیگر آسیب‌هایی که در حوزه کتاب‌شناسی اسطوره درخور توجه است، عدم تسلط کافی نویسندگان بر موضوع

اسطوره می‌باشد. این مسئله باعث شده است که متأسفانه در آثار نوشته شده در این حوزه، شاهد غلط‌های املائی فراوانی باشیم. یکی دیگر از آسیب‌های جدی در حوزه کتاب‌شناسی اسطوره، کاستی‌های آکادمیک و دانشگاهی است. عدم توجه دانشگاه‌ها به جایگاه رفیع مطالعات اسطوره‌شناسی و اسطوره‌پژوهی، باعث شده است که در زمینه کتاب‌شناسی این شاخه از علوم انسانی، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های قابل توجهی - از نظر کمی - نداشته باشیم. حجم بالای رساله‌ها و پایان‌نامه‌هایی که در کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اسطوره به نگارش درآمده است نیز با وجود آن که نوعی امتیاز محسوب می‌شود، اما در زمان کوتاهی که دانشجو برای جمع‌آوری، توصیف و تحلیل تعداد بسیار زیاد کتاب‌های نوشته شده درباره موضوع تحقیق دارد، از دقت کار می‌کاهد.

تحقیق درباره آسیب‌شناسی کتاب‌شناسی اسطوره، بیانگر چند نکته اساسی است: ۱- در برخی از پژوهش‌های حوزه کتاب‌شناسی اسطوره، محققان در ارائه کتاب‌شناسی به مخاطبان، هدف منسجمی را دنبال نمی‌کنند و صرفاً به توصیف و گاه تحلیل کتاب‌ها می‌پردازند؛ ۲- با توجه به این که مباحثی مانند کتاب‌شناسی اسطوره تخصصی است، برخی از کتاب‌شناسی‌ها صرفاً به دنبال ارائه یک تصویر کلی از بحث اسطوره هستند؛ که گاه در برخی از موارد مخاطبان این حوزه از کتاب‌شناسی به غلط می‌اندیشند که در کشورمان نظریه‌پرداز در زمینه اسطوره داریم. مخاطبان باید این آگاهی را از کتاب‌شناسی‌ها کسب کنند که ما در ایران فقط اسطوره‌پژوه داریم؛ و آنچه مورد پژوهش قرار می‌گیرد با توجه به نظریات افرادی مانند الیاده، یونگ و... است. بنابراین ارائه طرحی جامع درباره کتاب‌شناسی‌هایی که در حوزه اسطوره نوشته شده است و می‌تواند آثار اسطوره‌پژوهی را از نظریه‌پردازان اسطوره جدا کند، امری بهبود دهنده به وضع کتاب‌شناسی اسطوره است.

هم‌چنین پیشنهاد می‌شود، دانشجویانی به سراغ نوشتن پایان‌نامه و رساله در موضوع کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اسطوره بروند که از دانش کافی در زمینه شناخت اسطوره و آنچه مربوط به دانش اسطوره‌شناسی است، برخوردار باشند و هم‌چنین قدرت تحلیل و نقد خوبی داشته باشند. نکته دیگر آن که برای برخورداری هر چه بهتر علاقه‌مندان حوزه اسطوره از کتاب‌شناسی‌های نوشته شده، بهتر آن است که دانشگاه‌هایی که به این نوع تحقیق روی آورده‌اند، با یکدیگر تعامل مناسب داشته باشند تا هم پایان‌نامه‌ها و رسالات به شکل موازی و دارای هم‌پوشانی نوشته نشوند و هم با کنار یکدیگر قرار دادن چند پایان‌نامه، محقق بتواند یک مجموعه کامل از کتاب‌شناسی اسطوره را در اختیار داشته باشد و اگر چنین شود، بدین شکل شاهد پراکنده‌نویسی در این حوزه نخواهیم بود و نیز نتیجه کار بسیار سودمندتر برای پژوهشگران آینده خواهد بود.

منابع و مآخذ

- آریا، لیلا. (۱۳۹۱). کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اساطیر آمریکا، مصر، اسکانداوناوی (۱۳۰۰ تا ۱۳۸۹) و بررسی عناصر مشترک آن‌ها با اساطیر ایرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی اکبر نحوی، مشاور زهرا ریاحی زمین، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- آموزگار، ژاله. (۱۳۷۴). تاریخ اساطیری ایران، تهران: سمت.
- استروس، لویی. (۱۳۷۳). «بررسی ساختاری اسطوره»، ترجمه بهار مختاریان و فضل‌الله پاکزاد، مجله فلسفه و کلام، ارغنون، شماره ۴، ۱۶۰-۱۳۵.
- اسماعیل‌پور مطلق، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). «مهرداد بهار، ایران شناس و پژوهشگر اسطوره‌شناسی»، مجله انسان‌شناسی، دوره اول، شماره ۲، ۲۱۶-۲۱۳.
- الیاده، میرچا. (۱۳۶۲). چشم‌اندازهای اسطوره، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۴). اسطوره بازگشت جاودانه، ترجمه بهمن سرکاراتی، تهران: طهوری.
- ایران‌زاده، نعمت‌الله و همکاران. (۱۳۹۳)، کتاب‌شناسی توصیفی ادبیات تطبیقی در ایران، تهران: علم و دانش.
- باستید، روژه. (۱۳۷۰). دانش اساطیر، ترجمه جلال ستاری، تهران: توس.
- برومند، مرضیه. (۱۳۶۸). راهنمای تدوین کتاب‌شناسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگه.
- بیگدلی، زاهد. (۱۳۸۶). مرجع‌شناسی عمومی لاتین، تهران: سمت.
- جلالی‌مقدم، مسعود. (۱۳۷۴). «نقد اسطوره، رؤیا، راز»، مجله نشر دانش، شماره ۸۹، ۳۴-۲۹.
- جبار ناصرو، عظیم. (۱۳۹۰). کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اساطیر ایران، هند، بین‌التهرین، چین و ژاپن در زبان فارسی (۱۳۰۰-۱۳۸۹)، رساله دکتری، به راهنمایی زهرا ریاحی زمین، مشاوران اکبر نحوی و محمدرضا امینی، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- حاجی‌زاده، فرخنده. (۱۳۸۰). کتاب‌شناسی اساطیر و دین، تهران: روشنگران.
- حسن‌لاریجانی، حجت‌الله. (۱۳۸۱). مرجع‌شناسی عمومی، تهران: مرکز برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حضرتی، حسن. (۱۳۸۳). مآخذشناسی توصیفی تاریخ تشیع امامیه در ایران، تهران: معاونت پژوهشی، انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- خاکپور، پوری. (۱۳۹۱). «تحلیل، طبقه‌بندی و کتاب‌شناسی اسطوره از آغاز سال ۱۳۵۰ تا پایان سال ۱۳۹۰»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی شروین خمه، مشاور عالی یوسف‌فام، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- رضوانی، اعظم. (۱۳۸۸). کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اساطیر ایران در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی احمد خواجه‌ایم، مشاور ابراهیم استاجی، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم سبزواری.
- دلاشو، لوفر. (۱۳۶۶). زبان رمزی قصه‌های پریوار، تهران: توس.

دیگن، مریلن و سیمون تانر. (۱۳۹۴). آینده دیجیتال کتابخانه‌ها (راهبردهایی برای عصر دیجیتال)، ترجمه عباس گیلوری، تهران: کتابدار.

روزنبرگ، دونا. (۱۳۷۹). اساطیر جهان: داستان‌ها و حماسه‌ها، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران: اساطیر.

رهگذر، رضا. (۱۳۶۸). بیایید ماهیگیری بیاموزیم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.

ستّاری، جلال. (۱۳۸۳). اسطوره در جهان امروز، تهران: فکر روز.

سگال، رابرت آلن. (۱۳۹۴). اسطوره، مترجم فریده فرنود فر، تهران: حکمت.

سینایی، مجید. (۱۳۸۶). نقد کتاب در ایران، تهران: خانه کتاب.

صافی، قاسم. (۱۳۶۴). روش تألیف و نقد و اصلاح، تهران: گوتنبرگ.

صافی، قاسم. (۱۳۸۲). آیین نگارش و ویرایش، تهران: ارسباران.

صدیق بهزادی، ماندانا. (۱۳۸۰). کتاب‌شناسی مولوی، تهران: مرکز جهاد دانشگاهی.

فتّاحی، رحمت‌الله. (۱۳۷۸). شناختی از دانش‌شناسی، تهران: کتابدار.

فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). مروری بر وضعیت نقد ادبی در ایران، نامه نقد (مجموعه مقالات نخستین همایش نظریه و نقد ادبی در ایران)، دفتر اول، تهران: خانه کتاب.

فروزان‌کیا، فرهاد. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی مطالعات اسطوره‌پژوهی در ایران، رساله دکتری، به راهنمایی مهیار علوی‌مقدم، مشاوران ابراهیم استاجی و حسن دلبری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری.

کارول، نوئل. (۱۳۹۳). درباره نقد (گذری بر فلسفه نقد)، ترجمه صالح طباطبایی، تهران: نی.

کتس، ویلیام. (۱۳۸۲). مقدمه‌های بر اثر مرجع (ج ۱)، ترجمه رحیم فرخی‌شاهگلی، تبریز: دانشگاه تبریز.

کریمیان‌سردشتی نادر و عسکری چاوردی علیرضا. (۱۳۷۹). کتاب‌شناسی نوروز، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده مردم‌شناسی.

کزّازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۲). رؤیا، حماسه، اسطوره، تهران: مرکز.

مایزر، چت. (۱۳۷۴). آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ابیلی، تهران: سمت.

محمّدی‌فر، محمدرضا. (۱۳۷۶). فرهنگ جامع مرجع‌شناسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

محمّدی، رسول. (۱۳۹۲). کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اساطیر یونان در زبان فارسی (۱۳۰۰ تا ۱۳۸۹)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی اکبر صیّاد کوه، مشاور اکبر نحوی، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.

مخبر، عباس. (۱۳۸۰). «اسطوره و رؤیای جمعی»، کتاب ماه هنر، ۶۱-۵۷.

مسرت، حسین. (۱۳۷۳). «کتاب‌شناسی نخستین گام اطلاع‌رسانی است»، فصل‌نامه اطلاع‌رسانی، ۱۱(۱)، ۸۴-۶۹.

مرادی، نورالله. (۱۳۷۹). مرجع‌شناسی، تهران: فرهنگ معاصر.

منصوری، رضا. (۱۳۸۴). ایران را چه کنیم؟ (ساماندهی و نابسامانی‌های توسعه علمی)، تهران: کویر.

میراحمدی، مریم. (۱۳۶۹). کتاب‌شناسی تاریخ ایران در دوران باستان، تهران: امیرکبیر.

وارنر، رکس. (۱۳۸۶). دانش‌نامه اساطیر جهان، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: اسطوره.

هادی، سهراب. (۱۳۷۷). شناخت اسطوره‌های ملل، تهران: تندیس.